

سهولت کسب و کار رتبه ۱۳۵ را کسب کرده ایم. سخن آخر این که، اصولاً چون محیط کسب و کار خارج از کنترل واحدهای اقتصادی است، لذا مسؤلیت پایه‌گذاری، اصلاح، ترمیم و توسعه این محیط و زیرمغزهای آن به عهده دولت است. با فکر و مشورت خوب و اجرای بهتر، امیدواری فراوان است. خدا قوت...! ■

درصنحات ۲۸-۲۳ می‌خوانید)، مطلوب نیست. ایران در بین ۱۷ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا در رده ۱۶ قرار گرفته و از لحاظ شاخص آزادی اقتصاد در بین ۱۵۷ کشور در رتبه ۱۵۱ جای دارد. به علاوه، در میان ۱۷۵ کشور جهان، در تأسیس و راه‌اندازی یک شرکت رتبه ۷۷، در اخذ مجوز رتبه ۱۶۴، در استخدام و اخراج پرسنل رتبه ۱۴۱ و به طور کلی، در

راهکار اصلاح ساختاری نرخ سود / بهره

بهای پول باید واقعی باشد!

در صورت غیرواقعی بودن بهای پول (سود / بهره)، کفه ترازوی معاملات به نفع کالا سنگینی کرده و تورم را افزایش می‌دهد.



افزایش قیمت مورد انتظار (در اثر گذشت زمان) و هزینه بهره، یعنی محروم بودن از تبدیل کالا به پول، مقایسه اقتصادی به عمل می‌آید. در حالی که با بهره‌مندی از پول ارزان قیمت، نیازی به این‌گونه ارزیابی‌ها نبوده و کفه ترازو به نفع حفظ کالا که رشد قیمت آن پرشتاب‌تر از نرخ بهره است، سنگینی می‌کند.

چکیده پیشنهاد آن که، باید نرخ بهره تابعی از نرخ تورم باشد که توسط بانک مرکزی و بانک‌های دولتی اعمال گردد. مضافاً در کنار بانک‌های دولتی، باید بانک‌های خصوصی را در چارچوب قوانین عمومی مملکتی آزاد گذاشت تا خود بر اساس انواع خدمات بدیع و جدید، نرخ‌های متفاوت و غیردیگته‌ای تعیین نمایند. این آزادی عمل بانک‌های خصوصی به طور حتم، شرایطی را فراهم می‌کند تا بخش قابل توجهی از متقاضیان بازار آزاد پول (بازار سیاه)، از طریق این بانک‌ها، نیاز خود را تأمین کنند و در نتیجه، بازار پول (اعم از عرضه و تقاضا) در بستر قانونی و شفاف متعادلی جریان یابد و بخش سیاه آن، محدود و ناچیز گردد.

انبساطی یا انقباضی؟

اصولاً انجام هر عمل اقتصادی، به ویژه در سطح خرد می‌بایستی سودی به همراه داشته باشد. تورم را می‌توان به استهلاک سرمایه‌های فنی تشبیه کرد، بدین معنی که در صورت وجود تورم سالانه ۱۵ درصد، با ۱۱۵ واحد پول می‌توان قدرت خرید ۱۰۰ واحد پول سال قبل را حفظ کرد. حال، کسانی که می‌خواهند پول معامله کنند، چه سپرده‌گذاران و پس‌اندازکنندگان شخصی خرد و چه بانک‌ها و مؤسسات مالی، به بهایی این داد و ستد را انجام می‌دهند که برای آنها سودی متصور باشد. در غیراین صورت، دلیلی ندارد که داشته خود را به بهای نازل‌تر و زیان‌آوری در اختیار دیگران قرار دهند. به این نکته نیز باید توجه داشت که پول، یک طرف هر نوع داد و ستدی است و از بالاترین انعطاف در قیاس با هر نوع دارایی برخوردار می‌باشد. فرضاً دارنده یک ملک یا اتومبیل یا دیگر کالاها فاقد انعطاف لازم برای داد و ستد است و ابتدا باید دارایی خود را به پول تبدیل کرده، سپس معامله مورد نظر خود را انجام دهد. این قدرت عمل نامحدود و سرعت بالای پول، خود امتیاز دیگری است و در اقتصاد، بهایی دارد که باید در نرخ بهره، منظور و لحاظ گردد. جان کلام آن که، هرگاه مساعی دولت برای کنترل تورم، نتیجه مورد انتظار را به بار نیاورد، توسل به کم کردن نرخ بهره پول، خطای دیگری است که به تشدید تورم منتهی می‌شود، زیرا این سیاست در ذات خود، زمینه انبساطی داشته و امواج نقدینگی و تورم را دامن می‌زند. شایان ذکر است که در تمام کشورها - بدون استثنا - افزایش نرخ بهره شرایط انقباضی و کاهش آن، وضعیت انبساطی را به وجود می‌آورد. اینک چگونگی است که ما در کشور، با رشد انفجاری نقدینگی ۳۰ تا ۴۰ درصدی، قصد داریم از طریق کاهش نرخ بهره، شرایط انقباضی و کاهش تورم را ایجاد کنیم؛ این موضوع قابل هضم نیست. ■

به دنبال درخواست آقای احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران، در رابطه با ارایه راه حل‌های کاربردی در اقتصاد، ۵۷ نفر از اقتصاددانان کشور، طی جلسه‌ای با رئیس‌جمهور، به ارایه راهکارهایی پرداختند. در این راستا، آقای سید محمد تقی سیدصدر، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران، راهکار اصلاح ساختاری نرخ بهره را ارایه دادند (که با بازنگری اخیر توسط ایشان) از نظر خوانندگان ماهنامه می‌گذرد.

ارزش کالاها و خدمات با پول و ارزش پول با تورم، سنجیده می‌شود. بنابراین نرخ بهره که بهای پول است می‌بایستی در سطحی تعیین شود که بخش کاهنده پول (تورم) را پوشش دهد - اعم از این که پول به وسیله بانک‌ها عرضه شود یا هر مؤسسه دیگری که به مبادله پول می‌پردازد.

هنگامی که نرخ تسهیلات کمتر از نرخ تورم است، خود به خود و بدون هیچ‌گونه ریسک و فعالیت پویای اقتصادی، بلکه صرفاً با دسترسی به وام‌های ارزان قیمت و تبدیل آن به کالاهای سودآور، به ویژه ملک و مسکن، سود چشمگیری حاصل می‌شود. این شرایط، موجب تقویت قدرت و سلطه ارباب تجارت و فروش در قبال تنزل و حتی تعادل قیمت‌ها می‌گردد. مثال بارز آن در بخش مسکن مشهود است. سازندگان مسکن، نقدینگی مکفی دارند و نه تنها وجود نقدینگی مکفی نزد آنان موجب کاهش بهای مسکن نمی‌شود، بلکه آنها را قادر می‌سازد تا در قبال کاهش احتمالی قیمت‌ها مقاومت به خرج دهند و از فروش واحدهای نیمه ساخته و حتی کامل، خودداری ورزند. در حالی که در زمان تنگنا و فشار مالی، سازندگان مسکن، نه تنها با فروش واحدهای کامل بلکه با پیش‌فروش واحدهای نیمه‌ساز به زیر قیمت‌های روز، مشکلات نقدینگی خود را رفع می‌کنند. لذا جدا و مستقل کردن نرخ بهره از تورم، فایده‌ای در کاهش و کنترل نرخ تورم نداشته بلکه با هجوم و فشاری که در شاخه تقاضای پول پیش می‌آید، عملاً تورم را بیش از پیش تشدید می‌کند. بنابراین اگر با واقع‌بینی، نرخ بهره را متناسب با تغییرات نرخ تورم تنظیم کنیم، از یکسو، عامل ارزان قیمت فراوانی (پول) در اختیار عواملان اقتصادی قرار نمی‌گیرد که از آن ناصحیح و غیربهبینه استفاده کنند و از سوی دیگر، کارفرمایان، به دلیل واقعی و معنادار بودن هزینه و بهای پول، در گردش فعالیت‌های اقتصادی:

(محصول) ← (پول) ← (محصول) ← (پول)

و سیکل تولید و فروش، تسریع لازم را رعایت می‌کنند که در حفظ رونق و گردش فعالیت‌های اقتصادی مؤثر است. به علاوه، استفاده بیشتر از عامل ارزان و فراوان، نشان از سوء نیت یا سوء استفاده صاحبکاران اقتصادی ندارد، بلکه دقیقاً تجلی قوانین اقتصادی است که طبق آن، توسل و اتکا به عامل ارزان قیمت به دلیل سودآوری بیشتر، پرانگیزه‌تر و موجه‌تر است.

بنابراین بهای پول باید واقعی بوده و به بهای ذاتی خود نزدیک باشد. چنین قیمتی معنادار بوده و در محاسبات هزینه - فایده، مطمع نظر قرار می‌گیرد و در هر ارزیابی اقتصادی، هزینه حفظ کالا و تأخیر در تبدیل آن به پول (احتکار) رقم معناداری می‌شود که صاحبان کالا را به انتخاب بهینه هدایت می‌کند - انتخابی که در آن، میان